

جابر بن حیان (فیلسوف یا کیمیاگر)

در زمینه‌ی کیمیاگری به یکی از مشهورترین دانشمندان ایرانی به نام جابر بن حیان بر می‌خوریم که در حدود ۱۵۹ تا ۱۸۶ هجری قمری می‌زیست. پدرش به نام حیان در شهر کوفه در کنار فرات متولد شده بود. این شهر، جایگاه گروهی از اقوام بیابان‌گردی بود که دو سده پیش از آن، به امر خلیفه عمر در آن جا ساکن شده بودند. پدر جابر بن حیان در داروسازی تخصص داشت و سیاستمدار برجسته‌ای به شمار می‌رفت که در برانداختن سلسله‌ی بنی‌امیه شرکت داشت. به جای آن، سلسله‌ی عباسی سرکار آمد. اما ضمن سفرهای خود در شهر توس اقامت گزید و به ظاهر، جابر، در آن جا به دنیا آمده بود. بعدها، حیان بر اثر تحریک خلفای اموی به قتل رسید و جابر در کودکی به وسیله‌ی خویشانش برای تحصیل در ادبیات عرب و ریاضیات، به عربستان فرستاده شد. وی تحقیقات پدر را در زمینه‌ی پزشکی ادامه داد و علاقه‌مند به آزمایش و تجزیه و ترکیب شد.

سرانجام، در تاثیر کتاب‌ها و عقاید کیمیاگری قرار گرفت و بالاخره، به کوفه بازگشت و به عنوان فیلسوف و کیمیاگر شهرت یافت. جابر عضو یک نهضت صوفی‌گری بود که حکمت را از راه اندیشه می‌جست و این امر به وحدت وجد آمیز با اندیشه‌ی مربوط به خداوند منتهی شد. نلسفه‌ی صوفیان به صورت اعتراض علیه تجمل و ضعف اخلاقی در دربارهای اشراف درآمد. بعدها جابر در اروپای غربی به عنوان یکی از پایه‌گذاران کیمیاگری به شمار آمد و به جابر عربی معروف شد. اما جابر در روزگار خود از طریق کتاب‌هایش ارتباط اندکی با اروپای غربی داشت. زیرا کیمیاگر درباری هارون‌الرشید بود که با امپراتور فرانک‌ها به نام شارلمانیه روابط دوستانه داشت و هدایای ارزشمندی برای او می‌فرستاد.

پیشرفت جابر، به علت دوستی نزدیک او با خاندان ایرانی برمکیان بود که مدت‌ها از مشاوران خلیفه به شمار می‌رفتند. وی بیش‌تر دانش خود را از امام جعفر صادق (ع) و جعفر برمکی دریافت داشت که برای هارون‌الرشید کتابی به نام کتاب ونوس (Book of Venus) نگاشت و تجارب کیمیاگری خود را در آن به صورت شعر تنظیم کرد.

گفته می‌شود که جابر نیز از نفوذ خود برای افزایش خرید کتاب و ترجمه‌ی آثار یونانی

موجود در امپراتوری بیزانس استفاده کرد. این امر باعث شد که وی در بسیاری از دانش‌هایی که به آن‌ها علاقه‌مند بود، متبحر شود و به صورت یکی از دانشمندان عصر خود درآید. اما سرانجام، برای ادامه‌ی تحقیقات و بررسی‌های خود، در کوفه، عزلت اختیار کرد. این امر در سال ۸۰۳ میلادی صورت گرفت در زمانی که، خلیفه از غرور مشاوران برمکی ایرانی خود در خشم شد و تصمیم گرفت گروهی از جمله کیمیاگر درباری خود را از کار برکنار کند. اما پیداست که جابر از گوشه‌نشینی اجباری خویش رنج نمی‌برد. وی در این هنگام، نزدیک به هشتاد سال داشت و نویسنده و دانشمند محترمی محسوب می‌شد. گفته‌اند دو سده پس از مرگش، بعضی از معماران که خانه‌ی تازه‌ای در کوفه می‌ساختند، به‌ویرانه‌های آزمایشگاه او دست یافتند و اگرچه هیچ‌گونه ظرف و گردی یافت نشد، اما در گوشه‌ی اتاقی هاوونی جهت کوبیدن و نرم کردن ذراتی به دست آمد و معلوم شد از طلای ناب است و این مطلب در رابطه با علم کیمیاگری او بود.

از اثر مشهور جابر نکته‌های فراوانی باقی مانده است. نام او چنان مورد احترام بود که بعدها، بسیاری از آثار پزشکی و کیمیاگری را کسانی به او نسبت دادند که همه‌ی آثار فلسفی صوفیان درباره‌ی کیمیاگری را از آن او دانستند. آثار بعدی فرقه‌ی اسماعیلیه، یک نسل پس از مرگ جابر، چنان با نوشته‌های او آمیخته شد که آن‌ها را به او منسوب می‌داشتند. در هر صورت، این نکته نشان می‌دهد که آثار جابر چنان مورد احترام بود که به صورت اساس و پایه‌ی همه‌ی اندیشه‌های کیمیاگری جهان اسلامی درآمد. همچنین در میان کیمیاگران غربی شهرت یافت که جابر، پایه‌گذار دوباره‌ی این هنر باستانی، پس از سقوط امپراتوری روم بوده است.

از طریق آثار جابر بود که پیشرفت‌های علمی واقعی صورت گرفت. تهیه‌ی اسید نیتریک و نمک‌های کمیاب گوناگون و آزمایش‌هایی در تقطیر بسیاری از مواد طبیعی به او نسبت داده می‌شود. این خود، بخشی از تحقیقات او در طبقه‌بندی مواد در جهان طبیعت است. دانش پزشکی او نیز در تهیه‌ی اکسیرهایی مورد استفاده قرار گرفت که می‌گویند تاثیر معجزه‌آسایی داشته است. طرح او از وسایل شیمیایی منجر به تکامل مهارتی شد که امروزه با آن‌ها آشنا هستیم و شامل استفاده از انبیب برای تقسیم مواد تقطیری درون دبه‌ها بود.

اساس فرضی بخش اعظم کار تجربی او از بعضی نقطه‌نظرها معقول نبود و اندیشه‌ی تازه، آن را درک نمی‌کرد. علت آن بود که برپایه‌ی ملاحظات غیرماده‌ای قرار داشت. یک «مربع جادویی» با عدد پنج در وسط، درست می‌شود که تنها از عدد استفاده می‌کند به گونه‌ای که هر سطر و ستون به صورت $5 \times 3 = 15$ در می‌آید.



۴	۹	۲
۳	۵	۷
۸	۱	۶

سپس آن‌ها را جمع می‌زنیم و عدد ۱۷ و ۲۸ را به دست می‌آوریم. این‌ها اعدادی هستند که به عقیده‌ی جابر و بنابر فلسفه‌ی صوفیان اعداد طبیعی مربوط در همه‌ی حرکات و ترکیبات اشیای طبیعی ذیربط هستند. سپس ۲۸ حرف الفبای عربی را در نظر می‌آوریم که حروف قدرت هستند و به عقیده‌ی جابر، باید عربی باشند، زیرا الفبایی بود که قرآن مجید به آن زبان بود. هر ماده‌ای طبق این حروف، در اعداد متناظرشان کیفیات طبیعی مانند گرما، سرما، خشکی و رطوبت توضیح داده می‌شود. با تقسیم نام عربی برای یک ماده و نسبت دادن ارزش‌ها به هر حرف، به یک ارزش عددی دست می‌یابیم که ترکیب آن را به صورت چهار عنصر ارسطویی نشان می‌دهند. با وجود این، هنگامی که به عناصر پیچیده می‌نگریم، معلوم می‌شود که همگی دارای یک پایه‌ی فلسفی هستند. این مطلب، اندیشه‌های مربوط به جهان طبیعی را توصیف می‌کند و ارتباطی با عقاید واقعی مانند وزن‌ها و ارزش‌های اتمی ندارد. شخص باید به «مربع جادویی» یاد شده بنگرد و درباره‌ی معنای اعداد بیندیشد. در آن هنگام است که شخص می‌تواند اندیشه‌ی جابر را به عنوان نوعی فلسفه درک کند و نه آن چه را که امروز به عنوان علم مورد قبول است. در واقع، به پایه‌ی روان‌شناختی اندیشه‌ای می‌رسیم که در آن جا، مفاهیم با اعداد نشان داده می‌شوند.